

Research Paper

Organizational and Policy Characteristics of Iran Economic Management in the 1940s



*Barzin Jafartash Amiri¹

1. Department of Governmental Management ,Faculty of Management and Accounting, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.

Use your device to scan
and read the article online



Citation: Jafartash Amiri, B. (2021). [Organizational and Policy Characteristics of Iran Economic Management in the 1940s (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 11(38), 234-255.



Received: 02 Feb 2020
Accepted: 19 Sep 2020
Available Online: 01 May 2021

Keywords:

Comparative study, Economic management, Iran economy, Developmental states

ABSTRACT

High economic growth, low inflation, and the simultaneous formation of numerous industries have highlighted the economic performance of Iran in the 1940s. Interestingly, in the same period, East Asian countries also adopted a similar approach to industrial development, i.e., currently referred to as the Asian miracle. Relatively extensive studies have been conducted on the progress of East Asian countries; however, few investigations have addressed the organizational and institutional characteristics of Iran's experience in the same period. This study attempted to theorize the reasons for the success of Iran's economic performance in the 1940s. Thus, we performed a comparative study respecting the organizational and policy characteristics of the economic management of that period as well as the characteristics of the East Asian developmental states. Initially, the bureaucratic structures and characteristics that made the economy viable at that time were discussed. Next, the economic and industrial policies applied at that time were discussed. At the beginning of each section, the theoretical underpinnings of the subject will be explained first, followed by "In Iran", which will describe the Iranian experience. It is hoped that this rethinking of the country's economic management experience would facilitate future studies to reinforce the historical memory of policymakers from past mistakes. Besides, to some extent, it prevents the repetition of past mistakes.

* Corresponding Author:

Barzin Jafartash Amiri

Address: Department of Governmental Management ,Faculty of Management and Accounting, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.

E-mail: barzin.jf@gmail.com

مقاله پژوهشی ویژگی‌های سازمانی و سیاستی مدیریت اقتصادی دهه چهل ایران

* برزین جعفرتاش امیری^۱ ID

۱. گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چیکید

رشد اقتصادی بالا، تورم پایین و همزمان شکل‌گیری بسیاری از صنایع موجب برجسته بودن عملکرد اقتصادی دهه چهل ایران شده است. جالب اینکه در همان دوره، کشورهای شرق آسیا هم از رویکرد مشابهی برای توسعه صنعتی بهره برده که امروز از آن به عنوان معجزه آسیایی یاد می‌شود. با اینکه مطالعات نسبتاً گسترده‌ای درباره پیشرفت کشورهای شرق آسیا انجام شده، اما در خصوص ویژگی‌های مدیریت اقتصادی دهه چهل کمتر مطالعه‌ای صورت گرفته است. این پژوهش در تلاش است تا با مطالعه تطبیقی ویژگی‌های سازمانی و سیاستی مدیریت اقتصادی دهه چهل و ویژگی‌های دولت‌های توسعه‌گرای شرق آسیا، در فهم ویژگی‌های مدیریت اقتصادی دهه چهل بکوشد. در ابتدا ساختارهای بوروکراتیک و ویژگی‌هایی که موجب کارآمدی اقتصاد در آن دوره شد، مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه، سیاست‌های اقتصادی و صنعتی به کار رفته در آن دوران بحث می‌شود. در ابتدای هر قسمت ابتدا بنیان‌های نظری موضوع توضیح داده می‌شود و در ادامه تحت عنوان «در ایران» به شرح تجربه ایران خواهیم پرداخت. امیدواریم که این بازخوانی از تجربه مدیریت اقتصادی کشور، فتح بایی باشد برای مطالعه آتی تا با تقویت حافظه تاریخی سیاست‌گذاران از اشتباهات گذشته درس‌های لازم را گرفته و تا حدی مانع تکرار اشتباهات گذشتگان شویم.

تاریخ دریافت: ۱۳ بهمن ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۲۹ شهریور ۱۳۹۹

تاریخ انتشار: ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۰

کلیدواژه‌ها:

مطالعه تطبیقی،
سیاست‌گذاری
اقتصادی، دهه چهل،
دولت‌های توسعه‌گرا

* نویسنده مسئول:

برزین جعفرتاش امیری

نشانی: تهران، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، دانشکده مدیریت و حسابداری، گروه مدیریت دولتی.

پست الکترونیکی: barzin.jf@gmail.com

مقدمه

استفاده از نظریه دولت توسعه‌گرا و مفاهیم مرتبط با آن، مروری انتقادی و آموزنده به مدیریت اقتصادی دهه چهل ایران داشت. در ادامه زمینه‌های ظهور دولت توسعه‌گرای دهه چهل، ویژگی‌های سازمانی و نهادی آن و در انتها چگونگی به انحراف رفتنش به ترتیب بحث و بررسی می‌شود.

عملکرد اقتصادی دهه چهل

در ابتدا باید ثابت شود که عملکرد اقتصادی دهه چهل نسبت به دوره‌های دیگر از برجستگی قابل توجهی برخوردار بوده است. برای این منظور نگاهی به آمار و ارقام اقتصادی آن دوره می‌تواند کمک کند. میانگین تورم ده ساله ۱۳۴۰-۱۳۴۹ معادل ۱۶/۵ درصد، میانگین رشد اقتصادی در همین دوره ۱۲ درصد که برای بخش صنعت این نرخ ۱۴/۳ درصد بود (آمار بانک مرکزی).

البته که این اعداد و ارقام به معنی بی‌نقص بودن دهه چهل نیست. برای مثال، در این دوره رشد کشاورزی به مراتب کمتر از رشد صنعت و دیگر بخش‌ها بوده که نشان از یک غفلت قابل توجه می‌دهد. غفلتی که مهندس نیازمند، معاون صنعتی وزارت اقتصاد در دهه چهل در خاطرات خود به آن اذعان می‌کند (سعیدی، ۱۹۹۲).

اما به هر حال، کشورهای در حال توسعه، برای جبران عقب‌ماندگی اقتصادی خود بایستی یک دوره بلندمدت رشد اقتصادی، به‌خصوص در حوزه صنعت را تجربه کنند. دهه چهل از این رو قابل توجه است که هم این رشد کم‌نظیر در آن دوره را به مدت یک دهه همراه با تورم بسیار پایین حفظ کرده و شاید مهم‌تر از آن، این است که بخش اعظم این رشد سهم صنعت و به‌خصوص صنایع کارخانه‌ای بوده است.

با مطالعه تجربه اقتصادی دهه چهل، شباهت‌های غیرقابل انکاری بین مدل دولت‌های توسعه‌گرا و مدیریت اقتصادی دهه چهل تحت فرماندهی وزارت اقتصاد وقت به چشم می‌خورد. تا به آنجا که آبراهامیان، در کتاب معروف ایران بین دو انقلاب، این دوره را به تبعیت از پیشرفت اقتصادی شرق آسیا که معجزه آسیایی می‌نامند، معجزه ایرانی لقب داد (Barlow, 1982).

اگر این ادعا که عملکرد اقتصادی دهه چهل به طور ویژه موفقیت‌آمیز بود را درست فرض کنیم، اهمیت پرداختن به این دوره اقتصادی مشخص می‌شود. نکته اینجاست که این عملکرد اقتصادی را بایستی در راستای رویکرد مرسوم کشورهای در حال توسعه در دهه پنجاه و شصت میلادی تحلیل کرد. دوره‌ای پس از جنگ جهانی که هنوز نئولیبرالیسم ظهور نکرده و بسیاری از کشورها در تلاش هستند تا با سیاست‌های مداخله‌جویانه، عقب‌ماندگی اقتصادی خود را جبران کنند.

درواقع مدیریت اقتصادی مداخله‌جویانه ایران را بایستی در راستای تلاش‌های دولت هند، پاکستان، کره، تایوان، ویتنام، ژاپن، فرانسه و بسیاری از کشورهای دیگر تحلیل کرد. با اینکه مطالعات گسترده‌ای در مورد مدیریت اقتصادی کشورهای مذکور انجام شده (Johnson, 1982; Amsden, 1992; Evans, 1995; Wade, 2004; Khan, 1999, 2011)، اما درخصوص ملی‌گرایی اقتصادی در ایران، کمتر کار علمی انجام شده است (Nasr, 2000).

هرچند عمر دولت توسعه‌گرای ایران بسیار کوتاه‌تر از نمونه‌های شرق آسیا بوده و سرانجام بسیار متفاوتی هم داشته است، اما به نظر می‌رسد بتوان با

صنعت رایانه در سه کشور برزیل، هند و کره جنوبی می‌پردازد. سال‌ها مطالعات تطبیقی ایوانز در خصوص موفقیت و شکست دولت‌ها در فرایند صنعتی شدن منجر به ارائه نظریه اختیار درونی شده شد. اختیار درونی شده ترکیبی از انسجام سازمانی درونی دولت و رابطه نزدیک با جامعه است که همراه با شناخت محدودیت‌های خود دولت و یک رابطه واقع‌گرایانه با اقتصاد جهانی موفقیت سیاست‌های آن را تعیین می‌کند (Evans, 2012).

چالمرز جانسون که با مطالعه معجزه اقتصادی ژاپن (۱۹۸۲) سنگ بنای نظریه دولت‌های توسعه‌گرا را گذاشته، نظر مشابهی در خصوص ویژگی‌های نهادی یک سیاست صنعتی موفق دارد. بوروکراسی اقتصادی ژاپن و به خصوص وزارت صنعت و تجارت بین‌الملل (MITI) به عنوان مهم‌ترین نهاد دولتی مؤثر در اقتصاد، محور مطالعه جانسون قرار گرفت. در ژاپن، بوروکرات‌های دولتی به طور مداوم به هدایت و محدود کردن بخش خصوصی مشغول بودند.

این بوروکرات‌های نخبه دولتی، از اعضای انتخابی دولت نبوده و به همین دلیل کمتر تحت نفوذ طبقه سرمایه‌دار یا طبقه کارگر در فرایندهای سیاسی قرار می‌گرفتند. MITI از سال ۱۹۴۹ تا ۲۰۰۱ که در وزارت تازه تأسیس اقتصاد، تجارت و صنعت (METI) ادغام شد به عنوان عامل اصلی اجرا و هماهنگی سیاست‌های صنعتی ژاپن محسوب می‌شد.

بوروکرات‌های نخبه دست‌چین شده‌ای که صنایع هم از آن‌ها حساب می‌برده و هم می‌ترسیدند، سکاندار ارتقای بهره‌وری، صادرات، جذب فناوری در صنعت ژاپن بودند. بدون شک بزرگ‌ترین اجتماع قدرت ذهنی ژاپن در این جزیره شایستگی گرد هم آمده بودند. ملی‌گرایایی که به صنعتی کردن کشور

در تصویر شماره ۱ نمودار هفتاد سال تورم و شصت سال رشد اقتصادی در ایران به نمایش درآمده که همان‌طور که مشخص است، در دوران صدارت دکتر عالیخانی در وزارت اقتصاد، رشد بالا و باثبات و تورم پایین، این دوره را بقیه دوره‌ها متمایز کرده است.

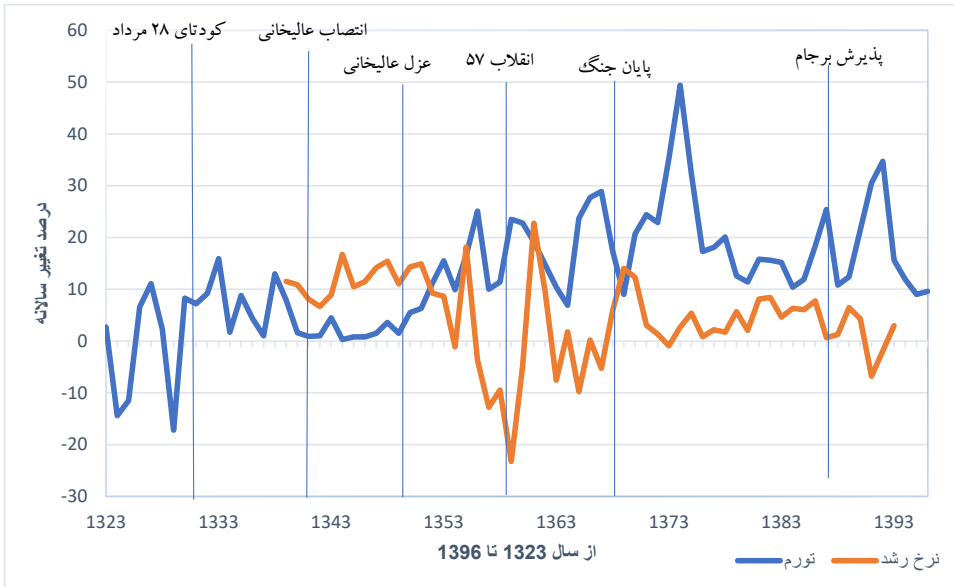
همان‌طور که در تصویر شماره ۱ مشخص است عملکرد اقتصادی ایران در این دوره به طور ویژه‌ای بهتر از دوره‌های دیگر است. نظر به اهمیت فهم بهتر این دوره، مقاله حاضر سعی دارد ویژگی‌های سازمانی و سیاستی که این موفقیت در بستر آن رقم خورده، مورد بحث و بررسی قرار دهد.

۱. ادبیات موضوع

در این پژوهش برای تفسیر و فهم نظام‌مند مدیریت اقتصادی دهه چهل، از چارچوب دولت‌های توسعه‌گرا و مفاهیم مرتبط استفاده شده است. دولت‌های توسعه‌گرا در تعریف محدود خود، به دولت‌های شرق آسیا که با سیاست‌های مداخله‌جویانه تغییر ساختاری را تسریع کردند، اطلاق می‌شود (Chang, 2010).

فرایند سریع صنعتی شدن کشورهای کره جنوبی، تایوان، سنگاپور و به خصوص ژاپن پس از جنگ جهانی دوم، سنگ بنای نظری این دیدگاه را فراهم کردند. دولت متعهد به ارتقای صنعتی، توانمند در اجرای سیاست صنعتی و به کارگیری جزیره‌ای از بوروکرات‌های کاردان جزء لاینفک دولت‌های توسعه‌گرا است.

ایوانز در اثر مهم خود با عنوان «اختیار درونی شده: دولت‌ها و تحول صنعتی» به بررسی نقش دولت، کارآفرینان محلی و شرکت‌های بین‌المللی در ظهور



تصویر ۱. هفتاد سال تورم و شصت سال رشد اقتصادی ایران (منبع: آمار بانک مرکزی)

برنامه‌ریزی اقتصاد (EPB) نه تنها نقش برنامه‌ریزی، بلکه وظیفه بودجه‌ریزی را نیز بر عهده داشت. مالکیت و کنترل کامل بخش بانکی و همچنین استفاده از بنگاه‌های دولتی در صورت نیاز، از ویژگی‌های دولت توسعه‌گرای کره بود.

هیئت برنامه‌ریزی اقتصادی در هماهنگی وزارت صنعت و تجارت (مسئول سیاست‌های با جزئیات بخشی)، بانک‌ها و بنگاه‌های دولتی نقش اساسی داشتند. باز هم نقش ائتلاف سیاسی متعهد به توسعه صنعتی و بوروکرات‌های نخبه در نظریه امسدن پررنگ است.

رابرت وید، یکی از صاحب‌نظران عرصه سیاست صنعتی، در کتاب حکمرانی بازار: نظریه اقتصادی و نقش دولت در صنعتی شدن شرق آسیا، تحلیلی

متعهد بوده و به راحتی توسط گروه‌های ذینفع تسخیر نمی‌شدند (Johnson, 1982).

امسدن در اثر مهم خود، گول بعدی آسیا، کره جنوبی و صنعتی شدن با تأخیر^۱ فرایند صنعتی شدن دیر هنگام کره جنوبی را بررسی کرد. در کره جنوبی هم توانایی دولت در اعمال معیارهای عملکردی سفت و سخت بر صنایع و شرکت‌هایی که حمایت‌های دولتی شامل حالشان شده از اساسی‌ترین دلایل موفقیت سیاست صنعتی در این کشور عنوان می‌شود (Amsden, 1992).

در این کشور دولت در نقش یک کارآفرین، هدایتگر، تنظیم‌گر و تأمین‌کننده مالی فعالیت‌های اقتصادی مولد ظاهر شد. نهاد قدرتمند هیئت

1. Asia's Next Giant: South Korea and Late Industrialization

۲. گردهم آمدن گروهی از بوروکرات‌های شایسته در یک یا چند دستگاه دولتی به منظور سکنداری اقتصاد و پیاده‌سازی سیاست صنعتی بدون توجه به ملاحظات و فشارهای سیاسی.

۳. ایجاد رابطه ویژه بین دولت و بخش خصوصی به منظور جریان اطلاعات بین بخش خصوصی و دولتی.

۴. حمایت‌های دولتی با قید و شرط قابل اجرا به فعالین اقتصادی تعلق گرفته و در صورت عملکرد ضعیف بنگاه، حمایت‌ها قطع می‌شد.

۵. در تمام موارد، دولت در تأمین مالی به طور مستقیم یا غیرمستقیم به بنگاه‌های اقتصادی کمک می‌کرد.

۶. در آخر، با اینکه کشورهای آسیای شرقی راهبرد مشابه توسعه با هدایت دولت را برگزیده بودند، اما هرکدام بنا به شرایط سیاسی و نهادی خودشان، ساختار سازمانی خاص خود را ایجاد کردند.

در این گزارش قصد داریم ساختار سازمانی و نهادی مدیریت اقتصادی دهه چهل را که به استناد شواهد و مدارک، بهترین دوره از منظر رشد اقتصادی، کنترل تورم و به‌خصوص توسعه صنعتی بوده، بررسی و تحلیل کنیم. برای این منظور از ادبیات دولت‌های توسعه‌گرا کمک گرفته و برای جمع‌آوری اطلاعات شواهد تاریخی بررسی شد.

۲. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از روش مطالعه تطبیقی برای بررسی ویژگی‌های مدیریت اقتصادی دهه چهل ایران در سایه ویژگی‌های دولت‌های توسعه‌گرا بهره می‌برد (جدول شماره ۱). در یک تعریف کلی مطالعه

دقیق و با جزئیات بالا از توسعه اقتصادی تایوان و شرایط سیاسی و اجتماعی این کشور ارائه می‌دهد. در این کشور هیئت توسعه صنعت (IDB) به عنوان سکان‌دار هماهنگ‌کننده توسعه عمل می‌کرد.

به گفته او فساد و ناکارآمدی بوروکراسی تایوان در خلال دهه پنجاه و شصت، حتی با استانداردهای کشورهای در حال توسعه بالا بود و دولت این کشور مجبور به ایجاد «جزیره‌هایی از شایسته‌ها»^۲ شد که هیئت توسعه صنعت از دل همین تلاش‌ها بیرون آمد. این هیئت با کمتر از ۱۵۰ کارمند که همگی از متخصصان صنایع بودند، در تیم‌های بخشی (مانند تیم الکترونیک، پتروشیمی، فولاد و...) گرد هم آمده و چند روز در ماه وظیفه سر زدن به کارخانه‌های مربوط به حوزه خود را داشتند.

آن‌ها وظیفه انتقال دانش از مرکز و آنچه در دنیا در حال رخ دادن بود به کارخانه را داشتند و از طرف دیگر مشکلات کارخانه و موانع پیش روی آن‌ها را به دولت مرکزی منتقل می‌کردند. این جریان دوطرفه اطلاعات بین بخش خصوصی و دولت و تلنگر مداوم برای ارتقای صنعت که تا چند دهه ادامه داشت، کلید موفقیت سیاست صنعتی در این کشور به شمار می‌رود (Wade, 1990).

با وجود تفاوت‌های قابل توجه حتی در بین کشورهایی که در تعریف محدود دولت‌های توسعه‌گرا می‌گنجد، اما می‌توان با مرور اجمالی که در اینجا شد، شماری از ویژگی‌های مشترک دولت‌های توسعه‌گرا را برشمرد (جعفرتاش، ۱۳۹۷):

۱. تعهد ائتلاف حاکم یا حداقل بخشی از قدرت سیاسی به صنعتی شدن کشور

2. Islands of Competence

جدول ۱. روش تحقیق پژوهش

فلسفه پژوهش	جهت‌گیری	رویکرد	استراتژی پژوهش	هدف پژوهش	ابزار گردآوری اطلاعات
عملگرایی	کاربردی	استقرایی (کیفی)	مطالعه تطبیقی	اکتشاف	بررسی اسناد و مدارک

موضوع‌های متعددی را از جنبه‌های خاصی مد نظر قرار می‌دهد (فلیک، ۱۳۸۷).

از این رو، در این پژوهش، تنها به ویژگی‌های اصلی دولت‌های توسعه‌گرا و بررسی مشابهت آن با مدیریت اقتصادی دهه چهل ایران خواهیم پرداخت. در واقع می‌خواهیم بدانیم چه ویژگی‌های سازمانی و سیاستی موفقیت اقتصادی دهه چهل را رقم زده و آیا این ویژگی‌ها شباهتی با ویژگی‌های مهم دولت‌های توسعه‌گرا دارند؟

۳. یافته‌های پژوهش

۳.۱. ویژگی‌های سازمانی و سیاستی مدیریت اقتصادی دهه چهل

در این بخش سعی شده ویژگی‌های سازمانی و سیاستی مدیریت اقتصادی حامی رشد دهه چهل تشریح شود. در ادامه با توجه به ادبیات موضوع و منابع تاریخی به سؤالاتی از این دست پاسخ داده شود: چه عواملی موجب هماهنگی و کارآمدی نسبی بوروکراسی اقتصادی دهه چهل شده بود؟ سهم نگاه‌های دولتی از برنامه‌های دولت برای صنعتی کردن کشور تا چه اندازه بود؟ تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های صنعتی به چه صورتی انجام می‌گرفت؟ با پاسخ به این سؤالات سعی شده تا شماییلی از ساختار سازمانی و سیاستی مدیریت

تطبیقی، مطالعه وجوه اشتراک و افتراق میان سیستم‌های مدیریت از ابعاد و جنبه‌های گوناگون است. به عبارت دیگر، مطالعه تطبیقی برای مقایسه و تطبیق دو یا چند پدیده به عنوان دستمایه‌های پژوهش به منظور استنباط و تدقیق موضوعات به کار می‌رود (عالی‌زاده، ۱۳۸۵).

از تحلیل تطبیقی به دو شیوه تطبیق درونی و تطبیق بیرونی می‌توان استفاده کرد. در شیوه تطبیق درونی، تغییرات یک پدیده معین مانند نهاد از دواج، در بسترهای فرهنگی، مکانی و زمانی متفاوت بررسی می‌شود تا آثار این ویژگی‌ها بر الگوهای متفاوت و مشابه نهاد از دواج مشخص شود.

در تطبیق بیرونی، تفاوت‌ها و تشابه دو یا چند پدیده متفاوت در طی یک یا چند زمان، در یک یا چند جامعه بررسی و شناسایی می‌شود. این بررسی نشان‌دهنده الگوهای تفاوت و تشابه در بین واقعیت‌های مورد مطالعه خواهند بود.

همچنین مطالعات تطبیقی از دو تست کمی و کیفی و همچنین از لحاظ استراتژی مبتنی بر دو استراتژی قیاسی و استقرایی هستند. در این پژوهش، با استفاده از داده‌های کیفی تلاش می‌شود تا الگوی مدیریت اقتصادی دهه چهل تبیین شود. از اینرو استراتژی تحقیق، از نوع استقرایی است.

در مطالعه تطبیقی، محقق موضوع را در کلیت و با همه پیچیدگی‌هایش مشاهده نمی‌کند، بلکه

جدول ۲. جدول ویژگی‌های مهم دولت‌های توسعه‌گرا

منبع	عنوان	نوع ویژگی
(Chang, 2010)	سکانداری مدیریت اقتصادی	ویژگی‌های سازمانی
(Roll, 2014)	نیروی انسانی	
(Chang, 2010; Hall, 1987)	استفاده از نگاه دولتی و تأمین مالی	
(Rodrik, 2009)	رابطه دولت و بخش خصوصی، جریان اطلاعات	ویژگی‌های سیاستی
(Rodrik, 2009)	سیاست تشویق و تنبیه توأمان	
(Stiglitz & Greenwald, 2015; Hausmann & Rodrik, 2003)	تشویق اکتشاف با انحصار موقت	

اقتصادی دهه چهل ترسیم شود. کشور است.

۲.۳. سکاندار مدیریت اقتصادی

ساختار سازمانی دولت‌های توسعه‌گرا در بین کشورها متفاوت بوده است. از همین رو در هر کشور، نقش محوری به یک سازمان دولتی واگذار شد. بخشی از این تفاوت به خاطر محدودیت‌های ساختاری و بعضی نتیجه انتخاب‌های آگاهانه سازمانی و ابتکارات انجام شده بود.

در ژاپن، وظیفه هماهنگی و سکانداری توسعه بر عهده وزارت صنعت و تجارت بین‌الملل^۴ (MITI) قرار داشت. این وظیفه در کره جنوبی بر عهده هیئت برنامه‌ریزی اقتصادی^۵ (EPB) گذاشته شده بود که کار برنامه‌ریزی و تخصیص بودجه را به طور همزمان انجام می‌داد.

فرانسه نیز از سازمان قدرتمندی برای برنامه‌ریزی متمرکز و اعمال سیاست‌های صنعتی تحت عنوان

معیار انتخاب این سؤالات و ویژگی‌های مورد بررسی بر اساس نتایج مرور ادبیات دولت‌های توسعه‌گرا در بخش قبلی و همچنین بر اساس مقاله اقتصاددان مشهور دنیا هاجون چانگ (۲۰۱۰) است. هاجون چانگ در مقاله «چگونه دولت توسعه‌گرا بسازیم: ملزومات سیاسی، سازمانی و منابع انسانی برای دولت توسعه‌گرا»^۲ سعی کرده ویژگی‌های مهم دولت‌های توسعه‌گرا را بررسی و دسته‌بندی کند. از همین معیارها برای انتخاب ویژگی‌های مدیریت اقتصادی دهه چهل استفاده شده است.

با توجه به معیارهای جدول شماره ۲، ویژگی‌های سیاست‌های به‌کارگرفته شده توسط وزارت اقتصاد در دهه چهل، با تمرکز بر ویژگی‌های سازمانی و سیاستی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. این دوره به‌خصوص از نظر کیفیت سیاست‌گذاری صنعتی حاوی نکات ارزشمندی برای سیاست‌گذاران اقتصادی

3. How to 'do' a Developmental State: Political, Organisational, and Human Resource Requirements for the Developmental State

4. Ministry of International Trade and Industry

5. Economic Planning Board

مرکزی ایران را بر عهده داشت به اعتقاد بسیاری یکی از سالم‌ترین و کارآمدترین نخبگان عصر پهلوی بود. این واقعیت را که بانک مرکزی ایران مؤسسه‌ای عاری از فساد، نسبتاً مستقل و به نحو غربی کارآمد بود به مدیریت او منتسب کرده‌اند (Milani, 2008).

همچنین ریاست سازمان برنامه در این دوره بر عهده مهندس صفی‌اصفیا بود که او هم به کارآمدی مشهور است. عالیخانی با هر دوی این افراد رابطه نزدیکی داشت و به نظر می‌رسد این هماهنگی به وجود آمده عاملی تعیین‌کننده در موفقیت دهه چهل بود.

در یکی از گزارش‌های منتشرشده سفارت بریتانیا در تهران پیرامون جهش بزرگ اوایل دهه چهل و تحولات اقتصادی و اجتماعی تأکید شده «مهدی سمیعی در مقام ریاست بانک مرکزی ایران، علینقی عالیخانی وزیر اقتصاد، ابوالقاسم خردجو در سمت رئیس بانک صنعتی و معدنی و صفی‌اصفیا در جایگاه رئیس سازمان برنامه و بودجه هماهنگی حیرت‌انگیزی از خود به نمایش گذاشتند».

در کنار روابط نزدیک و هماهنگی کم‌نظیر رؤسای این سه دستگاه، جلسات شورای اقتصادی هم که به ریاست شخص شاه برگزار می‌شد، زمینه هماهنگی بیش از پیش بسیاری از امور را فراهم می‌کرد. عالیخانی در خاطرات خود نقل می‌کند که در سال‌های ابتدایی، شخص شاه در جلسات شورای اقتصاد که با حضور وزرای مهم کابینه برگزار می‌شد، هم شنونده خوبی بود و هم حمایت کاملی از او می‌کرد. هرچند این روحیه شاه در نیمه دوم دهه چهل تغییر کرد.

روی هم رفته به نظر می‌رسد، نزدیکی وزارت اقتصاد، سازمان برنامه و بانک مرکزی و جلسات

کمیسیون برنامه‌ریزی^۶ (CGP) استفاده می‌کرد. در تایلند نیز دفتر توسعه صنعتی^۷ این نقش را البته بیشتر به شکل هماهنگ‌کننده و نه یک وزارتخانه منسجم ایفا می‌کرد (Chang, 2010).

در مقابل این مدل‌های کلاسیک که نقش یک سازمان در راهبری سیاست‌های توسعه پیرنگ است، دولت توسعه‌گرای شبکه‌ای وجود دارد که نقش توسعه‌ای در بین دستگاه‌های مختلف توزیع شده است. البته این شرایط زمانی می‌تواند موفق باشد که نیروی بوروکرات شایسته به اندازه کافی در دسترس باشد و دولت از توانمندی اجرا و هماهنگی بالایی برخوردار باشد.

سرآمد این الگو، دولت ایالات متحده است که با توزیع سیاست‌های صنعتی و فناوری بین دستگاه‌های مختلف نوعی دولت توسعه‌گرای مخفی را پدید آورده است (Block, 2008).

۱.۲.۳ در ایران

«بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه حول محور ابر وزارتخانه اقتصاد، سکاندار توسعه اقتصادی کشور شدند»

در ایران دهه چهل، نقش محوری در سیاست‌گذاری اقتصادی توسط وزارت اقتصاد ایفا می‌شد که به تازگی از پیوستن وزارت صنعت، وزارت بازرگانی و گمرک تشکیل شده بود (Nasr, 2000). وزارت اقتصاد در دهه چهل توانست با همکاری نزدیک با سازمان برنامه و بانک مرکزی سکاندار توسعه اقتصادی و به‌خصوص توسعه صنعتی شد.

مهدی سمیعی که در آن دوره ریاست بانک

6. Commissariat General du Plan
7. Industrial Development Bureau

۱.۳.۳. در ایران

«کارآمدی بوروکراسی اقتصادی با گرد هم آمدن تعداد معدودی تکنوکرات شایسته در چند دستگاه دولت به شدت افزایش یافت.»

در مورد حکومت ایران در دهه چهل، از یک طرف تهدیدات خارجی از طرف مصر، عراق و حتی شوروی موجب نگرانی شاه بود. از طرف دیگر نهادهای بین‌المللی هم از ایران طلبکار بوده و ایران را برای مدیریت بهتر تحت فشار گذاشته بودند.

همچنین در آمریکا دولت جان اف کندی روی کار آمده بود که بر اصلاحات و به‌خصوص رشد اقتصادی در کشورهای هم‌پیمان تأکید داشت. در چنین شرایطی شخص شاه انگیزه زیادی برای حمایت از توسعه اقتصادی برای کاهش فشارها و همچنین ارتقای وجهه داخلی و خارجی داشت (Nasr, 2000).

دکتر علینقی عالیخانی، در سن ۳۵ سالگی وزیر اقتصاد می‌شود. او که در فرانسه دکتری اقتصاد گرفته بود و پس از برگشت مدت کوتاهی در بخش مطالعات اقتصادی ساواک و پس از آن در وزارت نفت مشغول به فعالیت بود، انتخابی کم و بیش خارج از نخبگان سیاسی سنتی بود.

به گفته مهندس رضا نیازمند، عالیخانی پیش از وزیر شدن برای هیچ‌کس شناخته شده نبود. حتی شاه و علم هم شناخت خوبی از او نداشتند. با وجود اینکه عالیخانی تا حد زیادی از خارج از حلقه نخبگان سیاسی وارد دولت شد، ولی خیلی زود رابطه قوی‌ای بین او به عنوان وزیر اقتصاد، با شاه و علم ایجاد شد.

عالیخانی در خاطرات خود به دفعات عنوان می‌کند که در سال‌های اولیه فعالیت در وزارت اقتصاد، بزرگ‌ترین حامی او در دولت شخص شاه

شورای اقتصاد نقش قابل توجهی در افزایش هماهنگی سیاست‌های اقتصادی با دیگر سیاست‌های دولت داشت. آن گونه که رضا نیازمند در خاطرات خود نقل می‌کند، پس از مدت کوتاهی، وزیر اقتصاد در بیشتر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی حرف اول را می‌زد و بقیه دستگاه‌ها خود را با سیاست‌های وزارت اقتصاد هماهنگ می‌کردند (سعیدی، ۱۳۹۲).

۲.۳. نیروی انسانی

یکی از مشکلات اصلی کشورهای در حال توسعه برای به‌کارگیری سیاست صنعتی، فقدان وجود بوروکرات‌های کارآمد در این کشورهاست. معمولاً کارمندان نه‌چندان شایسته و بوروکراسی‌گند و ضعیف از ویژگی‌های معمول کشورهای در حال توسعه است. با توجه به مطالعات صورت گرفته در خصوص دولت‌های توسعه‌گرا مشخص شد که این ویژگی شامل حال دستگاه‌های دولتی آن‌ها نیز بود، اما آن‌ها توانسته بودند عده معدودی از بوروکرات‌های شایسته را گرد هم آورده و فضای مورد نیازشان برای کارآمدی را فراهم آورند. آنچه که بعدها به «جزایر شایستگی» معروف شد (Roll, 2014).

به گفته دنی رودریک، شاید کشورهای در حال توسعه دارای بوروکراسی‌های کارآمد نباشند، اما حتماً تعدادی بوروکرات حرفه‌ای در هر کشور وجود دارد که به وضوح از شایستگی بسیار بیشتری برخوردارند (۲۰۰۴). جمع کردن این افراد در ذیل یک دستگاه مجری سیاست صنعتی راه‌حلی است که توسط بسیاری از اندیشمندان اقتصاد توسعه تحت عنوان جزیره‌های شایستگی توصیه می‌شود.

8. Islands of Excellence or Pockets of Effectiveness

اداری راحت شده و بر مسائل اقتصادی متمرکز شود. درنهایت، مهندس رضا نیازمند با سابقه درخشان در صنعت و بنیانگذار و مدیر سازمان مدیریت صنعتی را به عنوان معاون صنعتی خود برگزید. به گفته نیازمند، عالیخانی هماهنگی بی‌نظیری بین معاونین خود ایجاد کرد (سعیدی، ۱۳۹۲: ۱۲۸).

عالیخانی نیز نقش جلسات روزانه و هفتگی با معاونین خود را در ایجاد انسجام و هماهنگی درونی در وزارت اقتصاد قابل توجه می‌داند (دهباشی، ۱۳۹۳: ۱۷۷). نکته جالب اینکه نظام حقوقی و استخدامی بخش بررسی‌های اقتصادی وزارت اقتصاد، مانند سازمان برنامه متفاوت از دولت بود. برای اینکار عالیخانی از بودجه سازمان برنامه استفاده کرد و دست محمد یگانه را برای استخدام افراد شایسته و دادن حقوق بالاتر از کارمندان دولتی باز گذاشت (عالیخانی، ۱۳۸۱: ۷۷).

محمدعلی صفی‌اصفیا، رئیس سازمان برنامه ۱۳۴۱-۱۳۴۷ از دیگر اعضای مهم تیم مدیریت اقتصادی دهه چهل بود. مهندس اصفیا تحصیلات عالی خود را در پلی‌تکنیک پاریس در رشته مهندسی معدن انجام داد. پس از بازگشت به ایران وارد دانشکده فنی شد و تا سال ۱۳۴۷ به عنوان استاد گروه مهندسی معدن در این دانشکده به تدریس کرد.

در سال ۱۳۳۳ به درخواست ابوالحسن ابتهاج به سازمان برنامه رفت و برای بخش امور فنی سازمان مشغول به کار شد. پس از آن به عنوان معاونت فنی در آن سازمان دست یافت و سپس به معاونت ریاست سازمان ارتقا یافت و در نهایت در سال ۴۱ رئیس سازمان برنامه شد. از او به عنوان تکنوکرات تکنوکرات‌ها یاد کرده‌اند (Milani, 2008).

بوده است. به گفته او مقاومت وزارت اقتصاد در برابر بسیاری از فشارها بدون حمایت شاه ممکن نبود (دهباشی، ۱۳۹۳).

از طرفی ساختار اقتصادی و شرایط محیطی هم به اقتدار وزارت اقتصاد در تعامل با بخش خصوصی وزارت کمک کرد. اولاً روابط مداوم با بخش خصوصی موجب جریان اطلاعات خوبی بین بخش خصوصی و دولت شد. از طرف دیگر تا آن زمان طبقه سرمایه‌دار صنعتی به آن صورت قدرت نگرفته بود و همین موضوع به اقتدار وزارت اقتصاد کمک کرد، شرایطی که در دهه پنجاه تغییر کرد و طبقه سرمایه‌دار صنعتی از قدرت و نفوذ قابل توجهی برخوردار شد.

همچنین باید اشاره شود که وزارت اقتصاد، از ترکیب دو وزارت بازرگانی و صنعت و همچنین گمرک به شکل یک آبر وزارتخانه شکل گرفت تا مشکل هماهنگی حل شده و تضاد میان بخش بازرگانی و صنعت کاهش یابد. این تجمیع قدرت هم به اقتدار و قدرت سیاست‌گذاری وزارت اقتصاد کمک شایانی کرد.

عالیخانی خیلی زود افراد بسیار شایسته‌ای را به همکاری دعوت کرد. دکتر رکن‌الدین سادات تهرانی، فارغ‌التحصیل دانشگاه کلمبیا، فرزند یکی از تجار شاخص تهران با تجربه کار تجاری را معاون بازرگانی خود کرد. وی دکتر محمد یگانه، دارای دکتری اقتصاد از دانشگاه کلمبیا که در سازمان ملل مشغول بود را به ایران دعوت کرد و مسئولیت دفتر مطالعات اقتصادی را که تازه تأسیس کرده بود، به او سپرد. دکتر احمد ضیائی را که دکتری اقتصاد از فرانسه داشت و به گفته مهندس رضا نیازمند مرد شریفی بود، را به سمت معاون اداری و پارلمانی وزارت منصوب کرد تا خیال عالیخانی از کارهای

هم آوردن بوروکرات‌های شایسته در ذیل دستگاه مجری سیاست صنعتی راه‌حلی است که توسط بسیاری از اندیشمندان اقتصاد توسعه توصیه می‌شود (Rodrik, 2004; Chang, 2010).

۴.۳. استفاده از بنگاه دولتی و تأمین مالی

یکی از ویژگی‌های دولت‌های توسعه‌گرا استفاده از سرمایه‌گذاری و بنگاه دولتی در مواقع ضروری و همچنین مداخله در تأمین مالی است. برای نمونه از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۸۳ بخش بانکی کاملاً در مالکیت دولت کره جنوبی بود و تا اوایل دهه ۱۹۹۰ کنترل کامل دولتی بر این بخش ادامه داشت.

همچنین در صورت لزوم از سرمایه‌گذاری و تأسیس بنگاه دولتی ابایی نداشته (کارخانه ساخت فولاد پوسکو شاخص‌ترین نمونه است) و حتی بنگاه‌های بخش خصوصی ناکارآمد را تصاحب می‌کردند (Chang, 2010). کنترل دولت توسعه‌گرای فرانسه در بخش بانکی به اندازه کره جنوبی نبود، اما در استفاده از بنگاه‌های دولتی بی‌شک از کره جنوبی پیش بود (Hall, 1987).

همچنین استفاده از سرمایه‌گذاری و بنگاه‌های دولتی یکی از ویژگی‌های مشخص دولت فرانسه بعد از جنگ جهانی دوم بود (Cohen, 1977, Hall, 1986, Hayward, 1986, and Chang, 1994). در این کشور بیشتر شرکت‌های کلیدی تا نیمه دهه ۱۹۹۰ در تصاحب دولت بوده و بعضی از آن‌ها همچنان هستند. برای نمونه می‌توان به شرکت رنو (اتومبیل)، الکتال^۹ (مخابرات)، سینت گوبن^{۱۰} (شیشه و مواد ساختمانی)، یوسینور^{۱۱} (فولاد)،

مهدی سمیعی در بانک مرکزی نیز ضلع سوم مدیریت اقتصادی دهه چهل را تشکیل می‌داد. او در سال ۱۳۱۴ همراه با گروهی از ایرانیان که در امتحان هوش و استعداد برگزیده شده بودند، برای ادامه تحصیل راهی بریتانیا شد و در ولز به مدرسه و دانشگاه رفت. سمیعی در بازگشت به ایران از آنجا که به خرج بانک ملی بورسیه شده بودند، در این بانک مشغول به کار شد. هر چند پس از دوره کوتاهی به زاهدان تبعید شد و تا زمان ملی شدن صنعت نفت و دعوت دکتر مصدق از او، به آموزش حسابداری و بانکداری به جوانان بومی مشغول بود.

پس از بازگشت به بانک توسعه صنعتی و معدنی رفت، ابتدا معاون و سپس رئیس آن جا شد و در همین مقام بود که توانست با افرادی که زمینه‌های تأسیس بانک مرکزی را می‌ریختند، همراه شود و از همین رو، بعد از پورهمایون، ریاست بانک مرکزی را پس از نزدیک به دو دهه تجربه در بانکداری، از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۷ بر عهده گرفت.

همان‌طور که مشاهده می‌کنید، تعدادی از بوروکرات‌هایی که هم تحصیلات قابل قبولی داشتند و هم تجربه عملی چند ساله، در یک برهه زمانی گرد هم آمدند و کاردانی این افراد و هماهنگی به وجود آمده، موجب افزایش کارایی بخشی از نظام اداری کشور شد. واضح است که کیفیت این بوروکرات‌ها از متوسط سطح بوروکرات‌های آن زمان ایران بسیار بالاتر بود.

در زمانی که کشورهای در حال توسعه مانند ایران با کمبود نیروهای بوروکراتیک حرفه‌ای مواجه هستند، گردهم آوردن تعدادی از نیروهای شایسته‌تر در یک یا چند دستگاه می‌تواند راه‌حلی برای این مشکل باشد. جالب اینکه تا به امروز همچنان گرد

9. Alcatel
10. St. Gobain
11. Usinor

(Chang & Grabel, 2014).

۱.۴.۳. در ایران

«مداخله محدود در تأمین مالی و استفاده هوشمندانه از سرمایه‌گذاری و بنگاه‌های دولتی در مواقع لزوم به منظور رفع شکست هماهنگی»

در دهه چهل تأمین مالی بنگاه‌های تولیدی و صنعتی توسط دو بانک اعتبارات صنعتی (دولتی، تأسیس ۱۳۳۵) و بانک توسعه صنعتی و معدنی (خصوصی، تأسیس ۱۳۳۸) انجام می‌گرفت. کارآفرینان پس از دریافت پروانه ساخت یا بررسی طرح خود توسط وزارت اقتصاد به این دو بانک معرفی شده و تأمین مالی انجام می‌شد. هرچند به گفته وزیر اقتصاد، هیچ‌گونه فشاری بر این بانک‌ها نبوده و آن‌ها به اتکای ارزیابی خود به متقاضیان وام می‌دادند.

از نکات جالب دیگر در این حوزه، جلسات هفتگی و هماهنگی خوبی است که بین این بانک‌ها و وزارت اقتصاد به وجود آمد. وزیر اقتصاد رابطه بین این دو بانک و وزارت اقتصاد را بسیار نزدیک و صمیمی ارزیابی می‌کرد (دهباشی، ۱۳۹۳: ۳۱۸).

هرچند در دهه پنجاه، رویه‌ها کمی از حالت حرفه‌ای خارج شد و انحرافات در فعالیت این دو بانک به وجود آمد. درخصوص استفاده از سرمایه‌گذاری دولتی و تأسیس بنگاه، به نظر می‌رسد اختلاف دیدگاه در حاکمیت وجود داشت. در سطح وزارت اقتصاد به عنوان معمار سیاست‌های اقتصادی، یک رویکرد عمل‌گرایانه نسبت به استفاده از بنگاه دولتی دیده می‌شود. به این معنی که در حوزه‌هایی که بخش خصوصی توانایی یا تمایل ورود ندارد، بنگاه دولتی ایجاد و پس از مدتی، زمانی که

تامسون^{۱۲} (الکترونیک)، تالز^{۱۳} (صنایع الکترونیک دفاعی)، الف اکویتین^{۱۴} (نفت) و رون - پولنک^{۱۵} (دارویی) اشاره کرد.

ژاین از این دو منظر محتاط‌تر بوده و دولت این کشور کنترل چندانی بر بخش بانکی نداشته و همچنین از تعداد معدودی بنگاه دولتی استفاده می‌کرد. در تایوان، اما به مانند کره جنوبی بخش بانکی کاملاً در اختیار دولت بود. همچنین بنگاه‌های دولتی در تایوان در بخش‌های عمدتاً بالادستی (مانند فولاد و مواد شیمیایی) نقش مهمی ایفا کردند (سهام ۱۶ درصدی از تولید ناخالص ملی در برابر سهم ۱۰ درصدی بنگاه‌های دولتی در کره جنوبی).

کشور سوئد برای توسعه صنایع اولویت‌دار (برق، تلگراف و تلفن) از مشارکت دولتی - خصوصی استفاده کرد. دولت فنلاند به طور گسترده از بنگاه‌های دولتی برای ارتقای صنایع استفاده کرد، همچنین ایجاد هیئت دولتی بازاریابی برای صادرات محصولات کشاورزی در دانمارک نشانه‌های دیگری از علم‌گرایی دولت‌ها در زمینه استفاده از بنگاه دولتی در مواقع لازم و به‌خصوص سرمایه‌گذاری ماکمل است (Chang, 2010).

همان طور که در مثال‌های بالا آمده مداخله دولت‌های توسعه‌گرا از الگوی یکسانی پیروی نمی‌کند. حد مناسب استفاده از بنگاه دولتی و مداخله در بخش مالی بنا به شرایط هر کشور بستگی دارد. ولی نکته مهم این است که پس از جنگ جهانی دوم، بنگاه‌های دولتی در بسیاری از کشورها نقش محوری در نوسازی صنایع ایفا کردند

-
12. Thomson
 13. Thales
 14. Elf Aquitaine
 15. Rhone-Poulenc

۵.۳. رابطه دولت و بخش خصوصی؛ جریان اطلاعات

اولین گام در طراحی سیاست صنعتی موفق، شناسایی موانع، شکست‌های بازار و سرریزها است. اطلاعات مربوط به این موارد در جامعه، بخش خصوصی و اقتصاد جهانی پراکنده است (Rodrik, 2009). زمانی که بوروکرات‌ها با صاحبان کسب و کار صحبت نمی‌کنند و تعامل ندارند، نمی‌توانند موانع اصلی را تشخیص دهند. در اینجا بایستی با تعامل مداوم با بخش خصوصی، اجازه حرکت اطلاعات از بخش خصوصی به دولت و بالعکس را داد.

همکاری نزدیک دولت با بخش خصوصی، شناسایی موانع اصلی رشد، سرریزها و شکست‌های بازار را ممکن می‌کند. این ارتباط متقابل عمومی - خصوصی بایستی به یک فرایند دائمی گردش اطلاعات در تمامی مراحل سیاست‌گذاری، اجرا و گرفتن بازخورد و اصلاح تبدیل شود. این ویژگی برای تدوین و پیاده‌سازی موفق سیاست صنعتی حیاتی است.

به علاوه بایستی نسبت به خطرات نزدیکی بیش از حد دولت و بخش خصوصی هوشیار بود، چراکه هر نوع سیاست صنعتی و حمایتی انگیزه فراوانی را برای ظهور رفتارهای رانت‌جویانه فراهم می‌کند. همچنین بایستی توجه کرد که روابط بین بخش خصوصی و عمومی همیشه در روابط سیاسی و فرایندهای ائتلاف‌سازی درهم‌تنیده شده‌اند.

پس در تنظیم رابطه و فاصله دولت و بخش خصوصی، بایستی بستر گسترده‌تر سیاسی و روابط گروه‌های قدرت و ثروت هم در نظر گرفته شود. این مسئله، یعنی برقراری رابطه درست بین بخش دولتی و خصوصی، یکی از عوامل موفقیت دولت‌های

بخش خصوصی توانایی لازم را به دست آورد، واگذار شود.

از طرف دیگر، نظر شاه و هم‌چنین نخست وزیر هویدا کمی متفاوت بود. شاه علاقه‌مند بود که صنایع مهم و بالادستی در مالکیت و مدیریت دولت باشد و بخش خصوصی در صنایع وابسته و پایین‌دستی وارد شود. هویدا هم که تحت تأثیر سیستم فرانسوی بود، به دخالت دولت اعتقاد زیادی داشته و از ایجاد صنایع دولتی حمایت می‌کرد.

در دهه چهل، رویکردی بینابین اتخاذ شد و از نیمه دهه چهل، سازمان گسترش و نوسازی برای ایجاد صناعی که بخش خصوصی قادر به ایجاد آن نیست، همت گمارد (سعیدی، ۱۳۹۲: ۱۶۹). صنعت ماشین‌سازی و کارخانه تراکتورسازی تبریز، صنعت ساخت قطعات بزرگ و کارخانه ذوب آلومینیم در اراک چند نمونه از این سرمایه‌گذاری‌های دولتی است.

بنا بر شواهد رویکرد دولت اقتصادی دهه چهل ایران تفاوت زیادی با نمونه‌های شرقی خود نداشته و شاید تنها تفاوت کنترل کمتر بر بخش مالی بود. به طور کلی اولویت دادن بخش خصوصی در دوره‌ای که بیشتر کشورهای در حال توسعه مرزهای خود را بسته بودند و سعی داشتند با سرمایه‌گذاری و دخالت گسترده دولت صنعتی شوند، نکته قابل توجهی است که به نظر نگارنده نقش بسزایی در موفقیت نسبی آن دوره داشته است.

هرچند در اواخر دهه چهل و به‌خصوص از دهه پنجاه با افزایش درآمدهای ارزی، حاکمیت در استفاده از بنگاه‌ها و سرمایه‌گذاری دولتی زیاده‌روی کرد و رویکرد هوشمندانه استفاده از بنگاه‌های دولتی را کنار گذاشت.

اسفند هر سال تا آخرین روز سال مطالعه خواهد کرد و مقررات جدید برای اجرا در سال آتی را در آخرین جلسه هیئت دولت مطرح و به تصویب خواهد رساند و بلافاصله مصوبات دولت را چاپ و برای اطلاع و استفاده واردکنندگان منتشر خواهد کرد تا بازرگانان بتوانند از اولین روز کاری در سال آتی طبق آن مصوبات عمل کنند و اطمینان داشته باشند که تا پانزده اسفند سال بعد به هیچ وجه تغییری در این مصوبات داده نخواهد شد.»

عالیخانی اشاره می‌کند که الگوی او برای رابطه با بخش خصوصی وزات اقتصاد آلمان و وزارت معروف صنعت و تجارت ژاپن (MITI^{۱۷}) بود؛ «میتی برای بخش خصوصی ژاپن خدا بود، آنقدر که این‌ها به هم نزدیک بودند (دهباشی، ۱۳۹۳: ۲۶۳)». هرچند تأکید می‌کند که کار او و همکارانش سخت‌تر بود، چرا که درآمد نفت باعث می‌شد کلیت دولت خود را بی‌نیاز از بخش خصوصی بداند. با وجود این، توانسته بود یک رابطه متقابل مبتنی بر اعتماد و تعامل را بین دولت و بخش خصوصی به وجود آورد.

۶.۳. سیاست تشویق و تنبیه توامان

سیاست صنعتی مؤثر، ترکیب کارآمدی از تشویق و تنبیه یا به اصطلاح چماق و هویج است. یعنی نه می‌توان صرفاً با دادن امتیازهای انگیزشی ارتقاء فناوری و تغییر ساختاری را رقم زد و نه صرفاً با استفاده از سیاست‌های تنبیهی انگیزه لازم را برای کارآفرینی و حرکت در مسیرهای جدید و با ارزش افزوده بالا ایجاد کرد. تاریخ سیاست صنعتی مملو از نمونه‌هایی است که هویج‌ها بدون چماق مؤثر به کار گرفته شده و اکثراً شکست خوردند (Rodrik, 2004).

توسعه‌گرا بوده است. آنچه که پیتر اوانز از آن تحت عنوان اختیار ذاتی^{۱۶} یاد می‌کند (Evans, 1995).

۱.۵.۳ در ایران

«رابطه نزدیک وزارت اقتصاد و بخش خصوصی و در عین حال حفظ استقلال و اقتدار»

دکتر عالیخانی پیش از آنکه وزیر شود، مدتی مشاور اتاق بازرگانی تهران بود و از این رو، از نزدیک با مشکلات و مسائل فعالین اقتصادی آشنایی نزدیک داشت و یک مزیت بزرگ برای او بود. همچنین معاونین صنعتی و بازرگانی او، هر دو سابقه چند ساله در صنعت و بازرگانی داشتند، به خوبی با شرایط بخش‌های اقتصادی مربوط به خود آشنا بودند.

عالیخانی پس از وزیر شدن، ارتباط مداومی با فعالین بخش خصوصی برقرار کرد تا از این طریق به مشکلات و مسائل بخش خصوصی پی ببرد (دهباشی، ۱۳۹۳: ۱۷۰).

جلب اعتماد بخش خصوصی برای وزارت اقتصاد در این دوره اهمیت بالایی داشت. رد درخواست وزارت دارایی برای افشای اطلاعات فعالین اقتصادی نمونه‌ای از این اعتمادسازی بود (دهباشی، ۱۳۹۳: ۲۶۰). در نمونه دیگر، می‌توان به پافشاری وزارت اقتصاد در اجرای قانون حریم ۱۲۰ کیلومتری کارخانه‌های سیمان در برابر درخواست دربار اشاره کرد.

یک نمونه دیگر از اعتمادسازی وزارت اقتصاد، ثبات در قوانین صادرات و واردات بود. مهندس نیازمند این گونه این مسئله را روایت می‌کند: «وزارت اقتصاد مقررات واردات و صادرات تمام کالاها را از پانزده

17. Ministry of International Trade and Industry

16. Embedded Autonomy

می‌شد (دهباشی، ۱۳۹۳: ۲۸۳).

یکی از ابتکارات جالب دیگر برای فشار بر سرمایه‌گذار، دادن موافقت اصولی شش ماهه، به جای پروانه ساخت به متقاضیان بخش خصوصی بود. حداقل در ابتدای کسب‌وکار بخش خصوصی می‌دانست که اگر به اندازه کافی تلاش نمی‌کرد پروانه به او تعلق نمی‌گرفت (Nassehi, 2016).

۷.۲. تشویق اکتشاف با انحصار موقت

یکی از شکست‌های بازار مهم که دو اقتصاددان برجسته در نظریه‌های خوداکتشافی^{۱۸} و جامعه‌یادگیرنده^{۱۹}، مانع شکوفایی اقتصادی کشورهای در حال توسعه محسوب می‌کردند، شکست بازار اولین سرمایه‌گذار^{۲۰} است (Stiglitz & Greenwald, 2015; Hausmann & Rodrik, 2003).

به طور ساده، در کشورهای در حال توسعه، مسئله نوآوری نیست، بلکه ارائه محصول یا خدمتی است که در کشورهای دیگر وجود دارد. از این رو، کشف فعالیت‌های سودآور جدید در کشورهای در حال توسعه خیلی توسط قوانین حقوق مالکیت حمایت نشده و سرمایه‌گذاران بعدی خیلی زود وارد آن فعالیت می‌شوند. با ورود سرمایه‌گذاران بعدی سود اولین سرمایه‌گذار کاهش یافته و نمی‌تواند به اندازه کافی از اکتشاف خود بهره‌بردارد.

این مسئله موجب می‌شود که انگیزه اکتشاف در کشورهای در حال توسعه کاهش یافته و مانع سرمایه‌گذاری برای کشف مزیت‌های نسبی پنهان^{۲۱} شود.

18. Self-discovery

19. Learning Society

20. First-mover

21. Latent Comparative Advantage

معمولاً نتیجه این می‌شود که بنگاه دریافت‌کننده حمایت بدون تلاش برای ارتقای فناوری و مقابله با رفتارهای رانت‌جویانه، حمایت را حفظ کرده و به زندگی راحت خود ادامه می‌دهد.

۱.۶.۳. در ایران

«حمایت گسترده از صنایع داخلی همراه با نظارت و فشار به منظور اطمینان از تلاش بنگاه در جهت یادگیری و ارتقای بهره‌وری»

سیاست وزارت اقتصاد در آن دوره، در کنار حمایت گسترده از صنایع، فشار بر بنگاه‌های ناکارآمد هم بود، به طوری که کارخانه‌ها را مجبور می‌کردند تا با ارتقای فناوری یا مدیریت بهره‌وری خود را افزایش دهند تا همیشه متکی بر حمایت دولت نباشند. به باور وزیر اقتصاد، «بخش خصوصی از حمایت‌های دولتی می‌توانست استفاده کند، اما راه سوءاستفاده از این حمایت‌ها بایستی بسته می‌شد».

فشار برای افزایش راندمان و همچنین حفظ کیفیت و قیمت در سطح بین‌المللی تا آنجا ادامه داشت که اگر بنگاهی قادر به تأمین خواسته‌های وزارت اقتصاد نمی‌شد، حمایت قطع می‌شد. بعضی از کارخانه‌ها راندمان خود را افزایش داده و در این راه تلاش می‌کردند، اما بعضی هم به دلایل مختلف از قدیمی بودن ماشین‌آلات گرفته تا مدیریت ضعیف قادر به بهبود عملکرد نبوده و در نتیجه تعطیل شدند (دهباشی، ۱۳۹۳: ۲۷۱).

همچنین در مراحل داخلی‌سازی صنایع، از ابزارهای تنبیهی متفاوت استفاده می‌شد. برای مثال، اگر بنگاهی نمی‌توانست شروط وزارت صنایع را در ارتقای فناوری در یک بازه زمانی انجام دهد، معافیت حقوق گمرکی و سود بازرگانی برای مواد اولیه حذف

۱.۷.۳. در ایران

«ایجاد انحصار موقت با توجه به اقتصاد مقیاس و کاهش ریسک اولین سرمایه‌گذار از طریق محدود کردن صدور مجوز»

جالب اینکه وزارت اقتصاد در دهه چهل با آگاهی نسبت به این مانع مهم رشد و توسعه اقتصادی، به وسیله محدودیت صدور پروانه و ایجاد انحصار موقت به رفع آن همت گمارد. برای مثال، پروانه ایجاد کارخانه سیمان، با محدوده ۱۲۰ کیلومتر داده می‌شد تا از صرفه مقیاس آن اطمینان حاصل شود. همچنین در بعضی صنایع به تعداد بسیار محدودی پروانه صادر می‌شد تا انگیزه لازم برای سرمایه‌گذاری در فعالیتهای جدید ایجاد شود.

این رویکرد را مهندس نیازمند، معاون صنعتی وزارت اقتصاد در دهه چهل در خاطرات خود توضیح داده و آن را سیاست حمایتی جلوگیری از ایجاد رقیب برای «صنایع تازه نوپا» می‌خواند (سعیدی، ۱۳۹۲: ۱۴۴). جالب اینکه از خطر ایجاد انحصار هم آگاه بودند، ولی ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری صنعتی را مهم‌تر از زیان انحصار موقت می‌دانستند و در نظر داشتند به مسئله انحصار در دهه بعدی (پنججاه) بپردازند.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

۱.۴. جمع‌بندی ویژگی‌های سازمانی و سیاستی مدیریت اقتصادی دهه چهل

الگوی دولت توسعه‌گرای دهه چهل ایران را می‌توان نمونه بومی و داخلی دولت‌های توسعه‌گرای پس از جنگ جهانی دوم دانست. همان‌طور که در این بخش خواندیم شباهت‌های بی‌بدیلی بین

دولت‌های توسعه‌گرای کلاسیک و مدیریت اقتصادی دهه چهل مشاهده می‌شود. همان‌گونه که در ژاپن میتی و در کره جنوبی هیئت برنامه‌ریزی اقتصادی سکاندار مدیریت اقتصادی بودند، در ایران هم آبروزارتخانه اقتصاد با همکاری سازمان برنامه و بانک مرکزی این وظیفه را بر عهده داشت. با اینکه سیاست‌های اقتصادی و صنعتی توسط این وزارتخانه تدوین و اجرا می‌شد، اما وظیفه مهم تخصیص بودجه از وظایف سازمان برنامه و بودجه بود و از این رو، هماهنگی بین این دو دستگاه نقش حیاتی در موفقیت برنامه‌های اقتصادی دهه چهل داشت.

در کنار این دو، نهاد بانک مرکزی وظیفه حفظ ثبات اقتصاد کلان را بر عهده داشت که در دهه چهل به خوبی از عهده آن برآمد. این سه دستگاه در کنار بانک صنعتی و معدنی، با هماهنگی کم‌نظیر که تا حد زیادی به دلیل نزدیکی روسای این دستگاه‌ها بود، پایه‌های اصلی دولت توسعه‌گرای دهه چهل را تشکیل می‌دادند.

رابطه نزدیک و مداوم وزارت اقتصاد با فعالین اقتصادی موجب تسریع جریان اطلاعات شده و باعث شد موانع سرمایه‌گذاری در صنعت و ارتقای بهره‌وری در این بخش به طور دقیق‌تری شناسایی شود.

مهندس نیازمند در خاطرات خود اشاره می‌کند که مشکل اصلی بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی در آن زمان، ضعف مدیریت بود. از این رو، سازمان مدیریت صنعتی به وجود آمد و در راستای تربیت مدیران حرفه‌ای و ارائه مشاوره به بخش خصوصی گام برداشت. با اینکه حمایت‌های گسترده از صنایع داخلی از طریق حمایت تعرفه‌ای، مشوق‌های صادراتی، معافیت مالیاتی واردات مواد اولیه، کمک

کارشناسی در تهیه و ارتقای ماشین‌آلات، ایجاد انحصار موقت و... انجام می‌شد، اما از طرف دیگر، بر کیفیت و قیمت کالای تولیدی داخلی هم نظارت می‌شد و به منظور ارتقای بهره‌وری به قطع حمایت‌ها تهدید می‌شد.

تهدیدی که ضمانت اجرایی داشت و در چندین مورد اجرا شد که به تعطیل شدن بنگاه‌های تولیدی داخلی منجر شد. مجموع این ویژگی‌ها در یک بستر زمانی و مکانی خاص به قول آبراهامیان، معجزه ایرانی را پدید آورد که می‌توان از آن به عنوان تجربه کوتاه ظهور دولت توسعه‌گرا در ایران یاد کرد.

با این توصیفات اهمّ ویژگی‌های مدیریت اقتصادی دهه چهل را می‌توان در در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. طبق تجربه بیشتر دولت‌های توسعه‌گرا، وجود یک سازمان محوری برای برنامه‌ریزی و پیگیری سیاست‌های توسعه‌ای حیاتی است. در ایران دهه چهل آبروزارخانه اقتصاد که شامل بخش صنعت، تجارت و گمرک می‌شد، چنین نقشی را با همکاری سازمان برنامه و بانک مرکزی ایفا می‌کرد.

۲. گرد هم آمدن عده‌ای از تکنوکرات‌های شایسته که عموماً خارج از حلقه نخبگان سیاسی آن روز محسوب می‌شدند، باعث ظهور پدیده‌ای شد که به جزیره شایستگان معروف است. نفوذناپذیری و کارآمدی نسبی از ویژگی‌های اصلی این جزیره شایستگان بود.

۳. استفاده بجا از بنگاه‌های دولتی در مواردی که بخش خصوصی توانایی یا تمایل سرمایه‌گذاری در آن حوزه‌ها را نداشت. تأسیس سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران در تیر ۱۳۴۶ با دو وظیفه اصلی ایجاد بنگاه‌های صنعتی جدید و نوسازی بنگاه‌های فرسوده در همین راستا بود.

۴. کمک به تأمین مالی بخش خصوصی توسط دو بانک توسعه‌ای حرفه‌ای انجام می‌گرفت. دو بانک اعتبارات صنعتی و بانک صنعتی و معدنی با مدیریت کارآمد و شایسته وظیفه تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های صنعتی را به خوبی انجام دادند.

۵. ارتباط مداوم وزارت اقتصاد با بخش خصوصی موجب حرکت جریان اطلاعات بین بخش عمومی و خصوصی و اعتماد متقابل بین دو طرف شد.

۶. سیاست‌های حمایتی و تشویقی همراه با نظارت و در صورت لزوم استفاده از ابزار تنبیه به کار گرفته می‌شد. به این معنی که اگر گیرنده رانت عملکرد ضعیفی داشت، حمایت‌ها قطع می‌شد. به قول دکتر عالیخانی «بخش خصوصی می‌توانست از حمایت استفاده کند ولی سوء استفاده نه». البته بخشی از این توانایی انتظام دولت ناشی از نوپا بودن صنعتگران مدرن و نفوذ سیاسی محدودشان بود.

۷. یکی از ابزارهای مهم حمایتی، تشویق ورود به حوزه‌های جدید سرمایه‌گذاری با ایجاد انحصار موقت بود. به این شکل که به سرمایه‌گذار گفته می‌شد با سرمایه‌گذاری در حوزه‌های جدید تا چند سال برای آن فعالیت پروانه ساخت دیگری صادر نشده و جلوی واردات آن کالا هم محدود می‌شود.

این رویکرد یکی از بزرگ‌ترین موانع سرمایه‌گذاری در حوزه‌های جدید که معروف به آثار جانبی اولین سرمایه‌گذار^{۲۲} است (Rodrick, 2003) را رفع می‌کند.

بزرگ‌ترین محدودیت این پژوهش، کمبود اطلاعات و آمار اقتصادی از آن دوره است. مسئله‌ای که مجبورمان کرد تا عمده اطلاعات خود را از نقل

22. First Mover's Externalities

هم باید مورد مطالعه جدی قرار گیرد. برای مثال، کم‌توجهی به بخش کشاورزی از موضوعاتی بود که حتی مهندس نیازمند، معاون صنعت وزارت اقتصاد دهه چهل، هم در خاطرات خود به آن اشاره می‌کند.

همچنین زمینه‌های سیاسی و اجتماعی برکناری معماران اصلی مدیریت اقتصادی دهه چهل و دلایل انحراف مدیریت اقتصادی در دهه پنجاه هم می‌تواند از موضوعات مهم و جالب برای تحقیقات آتی باشد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمامی اصول اخلاق پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

حامی مالی

این تحقیق هیچ گونه کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی در بخش‌های عمومی، تجاری یا غیرانتفاعی دریافت نکرد.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسنده این مقاله تعارض منافع ندارد.

قول‌ها و خاطرات افراد مؤثر آن دوره بگیریم که احتمال سوءگیری و برداشت شخصی وجود دارد. هرچند با رجوع به منابع متعدد تاریخی سعی کردیم تا احتمال سوء برداشت حداقل شود.

مشکل بعدی این بود که اکثریت غریب به اتفاق تکنوکرات‌های اصلی مدیریت اقتصادی دهه چهل در قید حیات نبودند و امکان مصاحبه مستقیم با این افراد وجود نداشت. هرچند عموم این افراد مصاحبه‌های بعضاً تفصیلی خوبی از تجربه خود در دهه چهل به یادگار گذاشتند.

نکته آخر، بحث قضاوت و تعمیم‌پذیری مطالعات تاریخی است. حتی با در نظر گرفتن ظرف زمان و مکان، باز هم احتمال خطا در خصوص قضاوت‌های تاریخی وجود دارد و باید همیشه احتمال خطا و اشتباه در خوانش تاریخی را در نظر گرفت.

موضوع دوم، بحث تعمیم‌پذیری است که البته به هیچ عنوان این مقاله ادعا را ندارد که ویژگی‌های مدیریت اقتصادی دهه چهل عیناً می‌توانند در دوران اقتصادی معاصر مورد استفاده قرار گرفته و همان نتایج را در پی داشته باشند.

مقاله حاضر، متمرکز بر ویژگی‌های داخلی مؤثر بر عملکرد اقتصادی دهه چهل بود. از این رو، مطالعه عوامل بیرونی مهم و مؤثر بر عملکرد اقتصادی دهه چهل می‌تواند یکی از موضوعات مهم تحقیقات آتی و تکمیل‌کننده این مطالعه باشد.

به طور مثال، ثبات نسبی سیاسی دهه چهل، ثبات اقتصاد جهانی در آن دوره، فرصت‌های حاصل از رقابت بلوک شرق و غرب، از جمله عوامل بیرونی مؤثر بر عملکرد اقتصادی ایران بودند.

همچنین ضعف و کاستی‌های دوره مورد نظر

منابع فارسی

- جعفرتاش، ب. (۱۳۹۷). *انگوی راهبردی حمایت از تولید؛ ۱۱. رویکردهای تدوین سیاست صنعتی*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- دهباشی، ح. (۱۳۹۳). *اقتصاد و امنیت؛ خاطرات دکتر علینقی عالیخانی*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- سعیدی، ع. ا. (۱۳۹۲). *تکنوکراسی و سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران به روایت رضا نیازمند*. تهران: انتشارات لوح فکر.
- هروی، م. و سمیعی، ا. (۱۳۸۴). *۲۲ نخست‌وزیر در ۷۳ سال*. تهران: نشر نوگل، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- عالیخانی، ع. (۱۳۸۱). *خاطرات دکتر علینقی عالیخانی وزیر اقتصاد ۱۴۳۱ - ۸۴۳۱: سیاست و سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران*. تهران: نشر آبی.
- لاجوردی، ح. (۱۳۸۹). *خاطرات محمد یگانه: رئیس بانک مرکزی، وزیر دارایی و وزیر آبادانی حکومت محمدرضا پهلوی*. تهران: انتشارات ثالث.
- کریمی، م. و نیلی، م. (۱۳۹۶). *برنامه‌ریزی در ایران ۱۳۵۶ - ۱۳۱۶: تحلیلی تاریخی، با تمرکز بر تحولات نقش و جایگاه سازمان برنامه و بودجه*. تهران: نشر نی.

References

- Abrahamian, E. (1982). *Iran Between Two Revolutions*. Princeton: Princeton University Press. https://www.google.com/books/edition/Iran_Between_Two_Revolutions/auUXEAAAQBAJ?hl=en&gbpv=0
- Alikhani, A. (2002). [*Memoirs of Dr. Alinaghi Alikhani Minister of Economy 1341- 1348: Economic policy and policy-making in Iran* (Persian)]. Tehran: Abi Publishing. <https://www.gisoom.com/book/1242887/%D%A%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D8%AE%D8%A7%D8%B7%D8%B1%D8%A7%D8%AA-%D8%AF%DA%A9%D8%AA%D8%B1>
- Amsden, A. H. (1992). *Asia's next giant: South Korea and late industrialization*. Oxford: Oxford University Press. https://www.google.com/books/edition/Asia_s_Next_Giant/f0hDv51qS6MC?hl=en&gbpv=0
- Block, F. (2008). Swimming against the current: The rise of a hidden developmental state in the United States. *Politics & society*, 36(2), 169-206. [DOI:10.1177/0032329208318731]
- Cohen, S. S. (1977). *Modern capitalist planning: The French model*. Berkeley :University of California Press. https://www.google.com/books/edition/Modern_Capitalist_Planning/vWDAQgAACAAJ?hl=en
- Chang, H. J. (1994). *The Political economy of industrial policy*. London: Palgrave Macmillan UK. https://www.google.com/books/edition/The_Political_Economy_of_Industrial_Poli/JQh2QgAACAAJ?hl=en
- Chang, H. J. (2010). How to 'do' a developmental state: Political, organisational and human resource requirements for the developmental state. In O. Edigheji (ed.), *Constructing a Democratic Developmental State in South Africa: Potentials and Challenges* (pp. 82-96). Cape Town: Human Science Research Council Press. https://www.google.com/books/edition/Constructing_a_Democratic_Developmental/sVk8YgEACAAJ?hl=en
- Chang, H. J., & Grabel, I. (2014). *Reclaiming development: An alternative economic policy manual*. London: Bloomsbury Academic. [DOI:10.5040/9781350222137]
- Dehbashi, H. (2014). [*Economy and security: The memoirs of Alinaghi Alikhani* (Persian)]. Tehran: The National Library and Archives of Iran. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/3641714>
- Evans, P. B. (1995). *Embedded autonomy: States and industrial transformation*. New Jersey: Princeton University Press. [DOI:10.1515/9781400821723]
- Doner, R. F., Ritchie, B. K., & Slater, D. (2005). Systemic vulnerability and the origins of developmental states: Northeast and Southeast Asia in comparative perspective. *International organization*, 59(2), 327-361. [DOI:10.1017/S0020818305050113]
- Hall, P. A. (1986). *Governing the economy: The politics of state intervention in Britain and France*. Oxford: OUP . https://www.google.com/books/edition/Governing_the_Economy/MRPhwAEACAAJ?hl=en
- Hausmann, R., & Rodrik, D. (2003). Economic development as self-discovery. *Journal of development Economics*, 72(2), 603-633. [DOI:10.1016/S0304-3878(03)00124-X]
- Hayward, J. E. S. (1986). *The state and the market economy: industrial patriotism and economic intervention in France*. Brighton: Wheatsheaf Books.
- Heravi, M., & Samieigilani, A. (2015). [22 Prime ministers in 37 years (Persian)]. Tehran: Nogol Publisher. <https://www.gisoom.com/book/1347645/%DA%A9%D8%A7%D8%A8-22-%D9%86%D8%AE%D8%B3%D8%AA-%D9%88%D8%B2%DB%8C%D8%B1-%D8%AF%D8%B1-37-%D8%B3%D8%A7%D9%84/>
- Jafartash, B. (2018). [*Strategic model of production support; II. Industrial policy formulation approaches* (Persian)]. Tehran: Islamic Parliament Research Center. <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1069257>
- Johnson, C. (1982). *MITI and the Japanese miracle: The growth of industrial policy: 1925-1975*. California: Stanford University Press. https://www.google.com/books/edition/MITI_and_the_Japanese_Miracle/bbGlsjW-ekC?hl=en&gbpv=0
- Karimi, M., & Nili, M. (2017). [*Planning in Iran (1977-1987) : Historical analysis, focusing on developments in the role and position of the Planning and Budget Organization* (Persian)]. Tehran: Nashr-e Ney. <https://nashreney.com/content/%D8%A8%D8%B1%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87%E2%80%8C%D8%B1%DB%8C%D8%B2%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%DB%B1%DB%B3%DB%B5%DB%B6-%DB%B1%DB%B3%DB%B1%DB%B6/>

- Keddie, N. R., & Richard, Y. (2006). *Modern Iran: Roots and results of revolution*. Connecticut: Yale University Press. https://www.google.com/books/edition/Modern_Iran/DgHhdALiAxIC?hl=en&gbpv=0
- Khan, M. (1999). The political economy of industrial policy in Pakistan 1947-1971. London: SOAS, University of London. <https://eprints.soas.ac.uk/id/eprint/9867>
- Khan, M. (2010). Political settlements and the governance of growth-enhancing institutions. London: SOAS, University of London. <https://eprints.soas.ac.uk/id/eprint/9968>
- Khan, M. (2011). India's evolving political settlement and the challenge of sustaining development. London: School of Oriental and African Studies, University of London. <https://eprints.soas.ac.uk/id/eprint/12844>
- Khan, M. (2018). Knowledge, skills and organizational capabilities for structural transformation. *Structural Change and Economic Dynamics*, 48, 42-52. [DOI:10.1016/j.strueco.2018.05.006]
- Lajevardi, H. (2010). [*Memoirs of Mohammad Yeganeh* (Persian)]. Tehran: Sales. <https://lib1.ut.ac.ir:8443/site/catalogue/875233>
- Lall, S. (1994). The East Asian miracle: Does the bell toll for industrial strategy? *World Development*, 22(4), 645-654. [DOI:10.1016/0305-750X(94)90119-8]
- Milani, A. (2008). *Eminent persians: The men and women who made modern Iran, 1941-1979, volumes one and two*. New York: Syracuse University Press. https://www.google.com/books/edition/Eminent_Persians/ix-U33FaG_dgC?hl=en&gbpv=0
- Nassehi, R. (2016). Studying rentier states over time: The political economy of macroeconomic policymaking in pre-Revolutionary Iran [PhD dissertation]. London: Queen Mary University of London. <https://qmro.qmul.ac.uk/xmlui/handle/123456789/12991>
- Nasr, V. (2000). Politics within the late-Pahlavi state: The Ministry of Economy and Industrial Policy, 1963-69. *International Journal of Middle East Studies*, 32(1), 97-122. [DOI:10.1017/S0020743800021061]
- Rodrik, D. (2004). Industrial policy for the twenty-first century. *Harvard University*, 1-58. [DOI:10.2139/ssrn.617544]
- Rodrik, D. (2009). Industrial policy: don't ask why, ask how. *Middle East Development Journal*, 1(1), 1-29. [DOI:10.1142/S1793812009000024]
- Rodrik, D. (2010). The return of industrial policy. Retrieved from <https://www.project-syndicate.org/commentary/the-return-of-industrial-policy-2010-04>
- Roll, M. (2014). *The politics of public sector performance: Pockets of effectiveness in developing countries*. London: Routledge. [DOI:10.4324/9781315857718]
- Saeedi, A. A. (2014). [*Technocracy and economic policy in Iran, narrated by Dr. Reza Niazmand* (Persian)]. Tehran: Lohe Fekr. <https://www.gisoom.com/book/11041702/%DA%A9%D8%AA%D8-%A7%D8%A8-%D8%AA%DA%A9%D9%86%D9%88%DA%A9%D8%B1%D8%A7%D8%B3%DB%8C-%D9%88->
- Stiglitz, J. E. (1989). Markets, market failures, and development. *The American Economic Review*, 79(2), 197-203. [DOI:10.3386/w2961]
- Stiglitz, J. E., Greenwald, B. C., Aghion, Ph., & Arrow, K. Z. (2014). *Creating a learning society: A new approach to growth, development, and social progress*. New York: Columbia University Press. [DOI:10.7312/columbia/9780231152143.001.0001]
- Rubin, B. M. (1990). *Paved with good intentions: The American experience and Iran*. Oxford: Oxford University Press. https://www.google.com/books/edition/Paved_with_Good_Intentions/3Fh2AAAAMAAJ?hl=en
- Wade, R. (2004). *Governing the market: Economic theory and the role of government in East Asian industrialization*. Princeton: Princeton University Press. https://www.google.com/books/edition/Governing_the_Market/VT-ko4TvTOgsC?hl=en&gbpv=0
- Wade, R. H. (2009). Rethinking industrial policy for low income countries. *African development review*, 21(2), 352-366. [DOI:10.1111/j.1467-8268.2009.00213.x]